

آسیب‌شناسی شرح‌نویسی بر متون ادب فارسی

دکتر احمد رضی^۱

زینب رفاهی بخش^۲

چکیده

امروزه شرح‌ها نزد خوانندگان و علاقه‌مندان به متون ادبی از نقش و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. اهمیت روزافزون شرح‌ها در فرایند فهم مخاطبان از آثار ادبی و رونق بازار شرح‌نویسی، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، باعث شده است تا شارحان مختلفی با سطح دانش و توانایی متفاوت، به کار شرح‌نویسی بر متون بپردازند که نتیجه آن آشفته‌گی بازار شرح‌نویسی در این دوره است. این نوشتار با هدف سامان‌دهی به بخشی از مباحث شرح‌نویسی، درصدد است تا با بررسی شروح منتشر شده در دهه‌های گذشته، مهم‌ترین نقاط ضعف آنها را بررسی و تحلیل نماید. به همین منظور، بیش از ۲۵۰ مورد از شرح‌هایی که در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۷ به رشته تحریر درآمده‌اند، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند و تلاش شده است تا مهم‌ترین آسیب‌ها و مشکلات موجود در آنها، طبقه‌بندی، توصیف و تحلیل شوند و در پایان، ویژگی‌های شرح مطلوب و شارح خوب، بیان گردد. این مقاله، مهم‌ترین نقاط ضعف شروح را با ذکر شواهد از شروح گوناگون، در هفت محور کلی مورد بررسی قرار می‌دهد: ۱- کاستی‌های محتوایی؛ ۲- رویکرد نامناسب در شرح؛ ۳- ناهماهنگی ساختار ظاهری شرح با نوع اثر و اهداف شارح؛ ۴- کم‌توجهی به دانسته‌های مخاطبان؛ ۵. دقیق نبودن یا نادرستی توضیحات ۶- بیان پیچیده و زبان نارسا؛ ۷- نارسایی مقدمه‌ها.

کلیدواژه‌ها: روش تحقیق، شرح‌نویسی، آسیب‌شناسی، متون ادبی.

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول) ahmad.reza@yahoo.com
۲. دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان m.refahi2000@yahoo.com

مقدمه

شرح‌نویسی بر متون، یکی از پررونق‌ترین شاخه‌های پژوهش ادب فارسی، به‌ویژه در یکصد سال اخیر بوده است. در این دوران، شارحان زیادی با اهداف و رویکردهای مختلف، اقدام به نگارش شرح و توضیح بر متن کامل یا گزیده‌ای از آثار ادبی کرده‌اند و توضیحات و تعلیقاتی را همراه متن، به چاپ رسانده‌اند.

شرح‌نویسی از مهم‌ترین فعالیت‌های علمی است که یاری‌گر گروه‌های مختلف خوانندگان آثار ادبی می‌باشد. در عصر حاضر، شرح‌ها نقش مهمی در فرآیند فهم عموم خوانندگان از آثار ادبی ایفا می‌کنند. امروزه بدون وجود شرح و تفسیرهای مناسب از متون برای سطوح مختلف افراد جامعه، بسیاری از آثار ادبی به حاشیه رانده می‌شوند. همچنین بسیاری از آثار ادبی در زمره متون درسی و آموزشی هستند و رفع ابهام از آنها از طریق شرح‌نویسی، برای استفاده خیل عظیم دانشجویان، امری اجتناب‌ناپذیر است. به‌علاوه، به‌طور طبیعی، زبان در بستر زمان، مسیر تحول و تکامل را می‌پیماید و با گذشت ایام، بر برخی اصطلاحات و تعابیر گرد فراموشی می‌نشیند؛ از سوی دیگر، تعابیر پیچیده و تصاویر دیرپاب در کلام برخی شاعران و نویسندگان، برای معاصران هم به‌راحتی قابل دریافت نیست. مسائلی از این دست، همواره ضرورت پرداختن به شرح و تحلیل متون را گوشزد می‌کند.

لزوم پرداختن به شرح و تفسیر متون ادبی برای استفاده گروه‌های مختلف افراد جامعه، موجب شده است تا افراد گوناگون با سطح دانش و توان مهارتی متفاوت به نگارش شرح و تحلیل بر متون ادبی بپردازند. تا جایی که در میان شارحان از ادب‌دوستان کم‌مایه گرفته، تا پژوهشگران برجسته‌ای همچون قزوینی، نفیسی، یوسفی و شهیدی دیده می‌شوند. همین آشفتگی در بازار شروح، ایجاب می‌کند که بررسی آسیب‌شناسانه جریان شرح‌نویسی و نقد و تحلیل شرح‌های نوشته شده از جهات مختلف، مورد توجه قرار گیرد.

آسیب‌شناسی به معنی بررسی انتقادی نقاط ضعف آثار، با هدف اصلاح آنها و پیشگیری از وقوع موارد مشابه در آینده است. در آسیب‌شناسی نیز همچون نقد ادبی، منتقدان با رویکرد تحلیلی و انتقادی به سراغ آثار می‌روند. از این جهت، آسیب‌شناسی متون، از اهمیت ویژه‌ای

برخوردار است. آسیب‌شناسی اگر در مسیر مناسب قرار گیرد، می‌تواند با به‌کارگیری دید انتقادی، بسیاری از مشکلات و نواقص را پیش‌بینی و از تکرار آنها پیشگیری کند.

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد با وجود اهمیت شرح‌نویسی بر متون ادبی و آسیب‌ها و نقائص غیرقابل انکار در شروح، تاکنون پژوهش مستقلاً در خصوص نقد و بررسی آنها با نگاه آسیب‌شناسانه و تلاش برای طبقه‌بندی و تحلیل این آسیب‌ها صورت نگرفته است؛ غیر از چند پژوهش که به شکل موردی به بررسی و معرفی شروح نوشته شده بر یک اثر، و نقد و تحلیل محتوایی آنها پرداخته‌اند؛ از جمله کتاب‌های فرهنگ شرح‌های حافظ از بهادر باقری و سیری در شروح مثنوی از رضا شجری و چند پایان‌نامه با عنوان‌های نقد و بررسی شرح‌های چاپی فارسی گلستان، بررسی و نقد شرح‌های چاپی بوستان در ایران، نقد شروح لیلی و نظامی و... که اهداف و کارکردهای آنها به‌کلی با اهداف این پژوهش متفاوت است.

بر این اساس، در این نوشتار، بیش از ۲۵۰ مورد از شرح‌های نوشته شده بر مهم‌ترین متون ادب فارسی در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۷ ه.ش با رویکرد آسیب‌شناسانه و با روش توصیفی-انتقادی، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفتند تا مشخص شود، جریان شرح‌نویسی بر متون ادب فارسی در این دوران چه مسیری را پیموده است؟ برجسته‌ترین نقاط ضعف و قوت شروح از چه قرار است؟ مهم‌ترین آسیب‌ها و مشکلاتی که متوجه شروح است کدامند؟ شارح خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟ شرح مطلوب چگونه شرحی است؟ و... .

منظور از شرح در این مقاله، هرگونه توضیح و تفسیر در راستای ابهام‌زدایی از اجزای متن ادبی است؛ بنابراین هم شامل توضیحات و تعلیقات پاورقی‌نویسان می‌شود و هم توضیحات مفصل و چندجلدی را در بر می‌گیرد.

به طور کلی جریان شرح‌نویسی در یکصد سال گذشته، در سه دوره زمانی قابل بررسی و ارزیابی است:

دوره اول: شامل دو دهه منتهی به سال ۱۳۱۳ شمسی که طی آن، با ظهور پژوهشگرانی که شیوه‌های جدید پژوهش علمی در آثار ادبی را آموخته بودند، تصحیح نسخه‌های خطی از متون ادبی مورد توجه قرار گرفت. این بخش از تاریخ از آنجا حائز اهمیت است که شارحان غالباً

در کنار کار تصحیح نسخه، تعلیقات و حواشی‌ای به متن می‌افزودند که می‌توانست یاری‌گر سایر محققان باشد. اما این تعلیقات در بیشتر موارد، شامل بیان اختلاف نسخه‌ها و ذکر نسخه‌بدل‌ها، ارائه معنی عبارات و اشعار عربی، نقل مآخذ ابیات و عبارات متن و در بعضی موارد، معرفی اعلام متن بود.

دوره دوم: در این دوران، وقوع برخی حوادث باعث تحوّل شگرفی در جریان شرح‌نویسی شد. در سال ۱۳۱۳ دانشگاه تهران تأسیس شد، در سال‌های بعد با ایجاد و سپس گسترش گروه‌های آموزشی زبان و ادبیات فارسی، نیاز به متون مناسب برای تدریس در دانشگاه‌ها باعث شد به تدریج، شرح‌نویسی بر متون ادبی، به شکل مستقل مورد توجه قرار گیرد. از طرف دیگر، گسترش آموزش عمومی موجب افزایش سطح سواد مردم جامعه و علاقه آنان به مطالعه شد. نسل دوم محققان که شاگردان نسل اول بودند، به طور جدی در پی حل مشکلات و ابهامات متنی بودند و به این منظور، شروحي را تدوین کردند.

دوره سوم: روند نگارش شرح و تحلیل بر متون ادبی به شکل افتان و خیزان ادامه داشت، تا اینکه پس از انقلاب، مدتی دانشگاه‌ها تعطیل شدند، اما در اوایل دهه شصت، پس از بازگشایی دانشگاه‌ها و به دنبال آن گسترش جهشی واحدهای دانشگاهی و افزایش دانشجویان، بستر مناسبی برای رونق شرح‌نویسی بر متون ادبی آماده شد و شارحان مختلف، از مدرّسان دانشگاه‌ها و پژوهشگران، تا سایر افراد علاقه‌مند به مطالعه متون ادبی، وارد جرگه شرح‌نویسان شدند.

اما شرح‌های متون ادبی در دوره معاصر شکل‌ها و گونه‌های مختلفی به خود گرفتند، به همین جهت می‌توان از جهات گوناگون آنها را طبقه‌بندی کرد. شرح‌ها را بر اساس نوع کاربرد آنها می‌توان به چهار دسته آموزشی، پژوهشی، آموزشی - پژوهشی و ترویجی تقسیم کرد. برخی از شرح‌ها با هدف آموزشی، به‌ویژه برای تدریس در دانشگاه‌ها تدوین می‌شوند و برخی دیگر پژوهشی‌اند که در آنها پژوهشگران آخرین یافته‌های خود را درباره یک متن ادبی در قالب شرح، منتشر می‌کنند و گروهی ترویجی‌اند که شارح برای نشر میراث ادبی در بین عموم

مردم جامعه آنها را تهیه می‌کند. دسته‌ای از شروح هم علاوه بر اینکه بعضی ویژگی‌های شروح آموزشی را دارند، از نتایج یافته‌های پژوهشی محققان نیز بی‌بهره نیستند.

از نظر کمیّت و میزان تحت پوشش قرار دادن متن، می‌توان شرح‌ها را به سه دسته شرح کامل، شرح دشواری‌ها و شرح بخش‌هایی از اثر (گزیده‌ها) تقسیم کرد. گزیده‌ها با چهار هدف کلّی پرداخت عمیق‌تر به متن، ارائه روش جدید در تفسیر، آسان‌تر کردن استفاده علاقه‌مندان به آثار ادبی و استفاده آموزشی در مراکز علمی تهیه می‌شوند.

در یک تقسیم‌بندی دیگر، می‌توان شرح‌ها را از حیث کیفیت و چگونگی گره‌گشایی از ابهامات محتوایی آن به انواع شرح‌های همراه تصحیح نسخه، شرح لغوی، شرح معانی ابیات و جملات و تبدیل آنها به نثر ساده، شرح موضوعی، شرح بینامتنی، شرح تفسیری - مفهومی، شرح تأویلی و بازنویسی متن تقسیم کرد (رفاهی‌بخش و رضی، ۱۳۸۹: ۹۲).

انواع متون ادبی شرح شده

نگاه اجمالی به آثاری که در طول سالیان متممادی مورد شرح و بررسی قرار گرفته‌اند نشان می‌دهد سیر شرح‌نویسی بر متون، روند یکنواخت و ممتدّی نداشته است؛ به‌علاوه از ابتدای قرن حاضر که نهضت چاپ و نشر متون ادب فارسی به شکل و شیوه نوین رونق گرفته است، همه آثار تاریخ پرفراز و نشیب ادب فارسی به یک میزان مورد توجه نبوده‌اند. از یک‌سو همه آثار به یک اندازه شرح و بررسی نشده‌اند و گزیده‌های زیادی از همه آنها فراهم نشده است، از سوی دیگر رویکردهای مختلف و متنوعی که به‌ویژه در سال‌های اخیر در شرح آثار ادبی به وجود آمده‌اند، تاکنون شامل تعداد انگشت‌شماری از برجسته‌ترین متون تاریخ ادب فارسی شده‌اند. بنابراین، لازم است علل و عواملی که در جریان شرح‌نویسی بر یک متن اثرگذار هستند مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

از مهم‌ترین عواملی که اندیشه نیاز به شرح و تفسیر در مورد یک اثر را به وجود می‌آورد، احساس وجود ابهام و پیچیدگی در اثر است. ابهام و پیچیدگی، گونه‌های متفاوتی دارد، از جمله ابهام واژگانی و لفظی، پیچیدگی ساختاری و سبکی و ...

دومین عامل، قرار داشتن اثر در زمره متون آموزشی و درسی است. دانشجویان و مدرّسان، ناگزیر از داشتن متن درسی مناسبی هستند که حلّال مشکلات متنی باشد، تا مدرّس مجبور نباشد تمام وقت کلاس را به حلّ مشکلات و پیچیدگی‌های لفظی در واژگان و جملات متن اختصاص دهد و دانشجو نیز همه مدّت، در جستجوی معنی واژگان و کنایات و... نباشد.

سومین عاملی که بر میزان شرح‌نویسی بر متن اثر می‌گذارد، این است که اثر تا چه حد در نزد عموم افراد کتاب‌خوان جامعه محبوبیت دارد. این مسئله غیرقابل انکار است که در سال‌های اخیر، افزایش سطح سواد عمومی و علاقه مردم به مطالعه، باعث شده تا متون بیشتری در زمره آثار پرفردار قرار گیرند؛ به علاوه با گسترش و نفوذ نظریات روش تحقیق و تأکید بر مخاطب‌شناسی، طیف‌های متنوعی از مخاطبان، از افراد کم‌سواد تا کودکان و نوجوانان تعریف شده‌اند، در نتیجه این عوامل، آثاری که بیشتر مورد توجه جامعه باشند به طرز چشمگیری مورد شرح و بررسی قرار می‌گیرند. همان‌گونه که امروز نیز به مانند گذشته، در مورد آثار برجسته ادب فارسی از جهت کمی، بیشترین و متنوع‌ترین انواع شرح، گزینش و تفسیر، توسط افراد مختلف و با سطح کیفی متفاوت تهیه می‌شود.

چهارمین عامل که ارتباط مستقیمی با شرح‌نویسی دارد، فقدان نسخه مناسب در مورد برخی آثار است که در درجه اول باعث می‌شود، پژوهشگر اقدام به تهیه نسخه‌ای منقّح و مطمئن کند. مصحّح نیز در اغلب موارد، نتیجه مطالعات و پژوهش‌های خود در باب متن و نکات مهم آن را در قالب تعلیقاتی به متن اضافه می‌کند. چنین شرحی در بیشتر موارد، شامل تعلیقاتی در حدّ رفع مهم‌ترین مشکلات لفظی متن است.

مهم‌ترین نقاط ضعف شروع

در این بخش، شرح‌هایی که بر مهم‌ترین متون ادب فارسی نگاشته شده‌اند، در هفت محور مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرند: ۱- کاستی‌های محتوایی؛ ۲- اتخاذ رویکرد نامناسب در شرح؛ ۳- ناهماهنگی ساختار ظاهری شرح با نوع اثر و اهداف شارح؛ ۴- کم‌توجهی به

مخاطبان؛ ۵- دقیق نبودن یا نادرستی توضیحات؛ ۶- بیان پیچیده و زبان نارسا؛ ۷- نارسایی مقدمه‌ها.

۱- کاستی‌های محتوایی

مهم‌ترین بخش شرح، تعلیقات و توضیحات آن است. توضیحات شرح باید به اندازه، مستند، مستدل، دارای زبان ساده و روان باشد، به گونه‌ای که از مشکلات اصلی متن، گره‌گشایی کند تا ابهامات ذهن خواننده مرتفع گردد. آسیب‌ها و مشکلات شروع در حوزه محتوایی، به شش دسته تقسیم می‌شوند:

۱-۱: توضیحات ناکافی و نارسا

شارح هنگامی که دست به تهیه شرح و تفسیر می‌زند، باید ضمن اطمینان از فهم درست مفهوم متن، با مشخص کردن رویکرد خود در شرح و رعایت تناسب و تعادل در کیفیت و کمیت ارائه اطلاعات، در حد امکان به رفع ابهام از مشکلات پردازد. توضیحات مستدل، روشن و شفاف که جای ابهامی را در ذهن خواننده باقی نگذارد، از جمله نقاط قوت شرح‌های موفق به شمار می‌آید. گاه شارح در توضیح یک بیت یا جمله، مطالب زیادی می‌آورد و به نکات مفیدی نیز اشاره می‌کند، اما توضیحات او تنها بخشی از ابهام متن را برطرف می‌کند. مثلاً شارحی در شرح خود بر *منطق‌الطیر عطار*، ذیل بیت:

آفرین جان‌آفرین پاک را آنکه جان بخشید و ایمان خاک را

تنها به ذکر این توضیح قناعت کرده است: «مصراع دوم اشاره دارد به آیه «ثم سویه و نفخ فیه من روحه [آن‌گاه او را درست اندام کرد و از روح خویش در او دمید، سوره سجده (۳۲): [۹]» (عطار، ۱۳۷۵: ۴۳۹). این توضیح و اشاره مفید، هر چند بخشی از مشکل بیت را حل می‌کند و اشاره قرآنی آن را مشخص می‌نماید؛ اما مشکل تعبیر «ایمان بخشیدن» خداوند به «خاک» در کنار «جان بخشیدن» به آن همچنان به قوت خود باقی است (فرضی، ۱۳۸۶: ۷۶).

شارح دیگر در شرح غزلیات حافظ، و در معنی "شاهرخ زدن"، تنها آورده که «شاهرخ زدن یکی از لعب‌های بازی شطرنج است» (حافظ، ۱۳۶۲: ۱۱۹۸). درحالی که این معنی، بدون توجه به کارکرد آن در بافت کلام، به خواننده چندان کمکی نمی‌کند.

گاه شارح از طرح برخی نکات کلیدی که به‌ویژه در شناخت شیوه و سبک سخن شاعر یا نویسنده، مهم تلقی می‌شود، غافل می‌ماند. غزلیات حافظ از جمله متونی است که پیوستگی لایه‌های گوناگون معنایی آن با صور خیال و آرایه‌های ادبی، غیر قابل انکار است. شارح اشعار حافظ، هنگام شرح، باید مقاصد بلاغی شاعر در استفاده از واژگان و تعابیر، در ارتباط با یکدیگر را مد نظر داشته باشد. اما در بسیاری موارد، شارحان برجسته نیز از این دقت‌ها بازمی‌مانند. مثلاً شارح *حافظ‌نامه*، به عنوان یکی از مشهورترین پژوهش‌ها در زمینه بررسی و تحلیل اشعار حافظ، در مواردی از طرح این صنایع کلیدی غفلت کرده است. به عنوان نمونه (ر.ک: خرمشاهی، ۱۳۸۷: ۷۶۵؛ ستاری، ۱۳۸۲: ۸۵).

در بعضی موارد نیز، شارح از یادآوری برخی نکته‌ها و مسائل حاشیه‌ای همچون تلمیحات، اشارات روایی و باورهای عامیانه که در متن به آنها اشاره شده است، غفلت می‌کند. در حالی که طرح چنین اشاراتی، گاه در رفع بهتر ابهامات و فهم راحت‌تر مشکلات و قرارگرفتن در فضای فکری و اندیشگانی صاحب اثر، مؤثر است. به عنوان نمونه، شارح *مرصادالعباد*، در شرح و تعلیقاتی که بر این اثر نوشته است، در مواردی از طرح اشارات قرآنی و روایی متن، غفلت کرده است. ریاحی ذیل عبارت «از انسان هیچ محل قابل کتابت نیامد الا دل، و هیچ موضعی شایستگی مقربین الاصبغین نیافت الا دل» (نجم رازی، ۱۳۸۴: ۱۴۷)، هیچ توضیحی در مورد اشاره روایی متن، ذکر نکرده است. عبدالحمید آیتی نیز، در گزیده‌ای که از *مخزن‌الاسرار* تهیه کرده است، در برخی قسمت‌ها، اشارات پنهان متن را مورد توجه قرار نداده است؛ مثلاً در شرح بیت:

شیر تنیدست در این ره لعاب سر چو گوزنان چه نهی سوی آب

آورده است: «در گذرگاه دنیا و دنیاطلبی، شیر درنده‌ای کمین کرده و آب در دهان انداخته و منتظر صید است» (آیتی، ۱۳۸۳: ۱۴۵). اما معنای درست و کامل این بیت، در گرو فهم نکته‌ای

از باورهای قدماست، مبنی بر اینکه شیر لعابِ بد بوی دهان خود را به کناره‌های آبشخور گوزن و آهو می‌ریزد. ولی در ناحیه‌ای که خود آنجا کمین کرده است، از چنین کاری خودداری می‌کند تا آهوان از بوی بد، به آنجا پناه ببرند و در نتیجه، شکار شیر شوند (امامی، ۱۳۷۱: ۱۲).

در مواردی توضیحات ناکافی، ناشی از نادیده گرفتن لایه‌های معنایی پنهان در متن است. از بین شروح قدیمی می‌توان به تعلیقات دهخدا بر دیوان ناصرخسرو اشاره کرد که در آن، گاه از ذکر ابعاد گوناگون معنایی واژگان در متن، غفلت شده است (ر.ک. مسرور، ۱۳۱۰: ۳۴۹). حسن انوری هم در کتاب *صدای سخن عشق*، که مبتنی بر شرح صد غزل از حافظ است، در برخی قسمت‌ها دچار نوعی گریز از بیان لایه‌های عرفانی کلام حافظ شده است. به عنوان نمونه (ر.ک. رضی، ۱۳۸۵: ۱۳۰-۱۳۲).

۱-۲: عبور از مبهمات و مشکلات

یکی از آسیب‌ها و مشکلات اساسی در برخی شرح‌ها، این است که گاهی اوقات، شارح، مشکلات و ابهام‌های واقعی متن را مورد توجه قرار نمی‌دهد، در عوض به شرح و بسط نکات واضح و روشن می‌پردازد. این مشکل، بیشتر در مورد گزیده‌ها وجود دارد. در واقع، گذر و گریز از بخش‌ها و ابیاتی که شرح آن برای گزینشگر مشکل است، از مهم‌ترین آسیب‌های جریان گزیده‌پردازی است. در این وضعیت، شارح یا قسمت‌های دشوار و بحث‌انگیز را در گزینش حذف می‌کند، یا از شرح و بررسی آنها غفلت می‌ورزد.

نویسنده *حافظ‌نامه*، ضمن اینکه در مورد بسیاری از تعبیرات و ابیات، توضیحات مفید و گره‌گشایی ارائه داده است، در برخی موارد، از ورود به شرح غزل‌های مشهور و ابیات دشوار و مهم غفلت کرده است. در مقابل، غزل‌هایی را هم مورد شرح و بررسی قرار داده که مطالب آنها در همین کتاب، در شرح غزل‌های دیگر آمده است (ر.ک. باقری، ۱۳۸۶: ۱۱۲-۱۱۳).

اما این مشکل، تنها در سطح گزیده‌ها که امکان حذف قسمت‌های مبهم و مشکل، در آنها بیشتر است وجود ندارد؛ بلکه در شروح کامل نیز، گاه شارح، خود را درگیر شرح بخش‌های

مبهم و پیچیده نمی‌کند. این مسئله در بیشتر شروح برجسته قدیمی به روشنی دیده می‌شود. به عنوان نمونه می‌توان از تاریخ جهانگشای جوینی، به تصحیح محمد قزوینی نام برد. این اثر، از جمله متون دارای نثر فنی و سرشار از واژگان غریب است، اما تعلیقات قزوینی بر آن، بیشتر بر بیان مآخذ ابیات عربی و فارسی و معرفی اعلام، متمرکز است، تا جایی که تعلیقات جلد اول آن تحت عنوان "در بیان نسبت بعضی از ابیات مذکور در جهانگشا به قائلین" است (جوینی، ۱۳۷۸: ۲۳۳)، و تعلیقات جلدهای دیگر نیز شامل اطلاعاتی در همین حد می‌باشد. در میان معاصران هم، علی اصغر حلبی در شرح مثنوی معنوی، در بسیاری قسمت‌ها این‌گونه عمل کرده‌است. او هرچند در اغلب موارد، توضیحات مفصلی ذیل ابیات ارائه می‌دهد، ولی این توضیحات، معمولاً در حد شرح و بسط مفهوم واژگان و اصطلاحات است و کمتر در مسیر رفع ابهام از قسمت‌های مبهم و مورد اختلاف شارحان در مثنوی قرار دارد (ر.ک. رفاهی‌بخش، ۱۳۸۹: ۱۰۸-۱۰۹).

۱-۳: ارائه معنی نارسا

در اغلب شرح‌ها، اشتباهاتی وجود دارد که از برداشت نادرست، ناشی می‌شود. برداشت نادرست اغلب در سه حوزه به چشم می‌خورد: واژگان، نکات بلاغی، ویژگی‌های دستوری. گاهی اوقات، شارح با برداشت نادرست از یک واژه، معنی اصلی و حقیقی متن را به کلی دگرگون می‌سازد و در مواردی، توضیح نادرست و غیرمنطقی از واژگان و مفاهیم، باعث استشهادهای اشتباه نیز می‌شود. شارح هنگامی که از یک واژه یا مفهوم، معنی نادرستی دریافت کند، این دریافت را به نمونه‌های دیگر تعمیم می‌دهد و دور باطلی از توضیحات نادرست را ایجاد می‌کند. شارح شاهنامه، در نامه باستان، در توضیح بیت:

ز نخ نرم و کنکافکن و دست‌کش سرین گرد و بینادل و گام‌خوش

نوشته است: «دست‌کش در معنی اسب نژاده و با نام و نشان است، این واژه نیز فراوان در

شاهنامه به کاربرده شده است؛ نمونه را در این بیت‌ها:

چو بیدار شد رستم از خواب خوش بر آشفت با باره دست‌کش

نشست از بر باره دست‌کش بیامد بر شیر خورشیدفش

(کزآزی، ۱۳۸۵: ۲۹۸)

اما ظاهراً معنای دقیق و درست این ترکیب، به عنوان صفت اسب، در بیت مورد بررسی، شواهد ذکر شده و نمونه‌های دیگر، رام و مطیع و دست آموز است (ر.ک و امقی، ۱۳۸۰: ۱۹۵-۲۰۰).

در بعضی موارد، شارح در تشخیص نکات بلاغی موجود در متن دچار اشتباه می‌شود و برداشت اشتباه خود را در شرح اعمال می‌کند. شارحان دیوان ناصر خسرو، که انتشارات پیام امروز آن را منتشر کرده است، در شرح بیت:

برآمد سپاه بخار از بحار سوارانش پر دُر کرده نثار

نوشته‌اند: «سواران، استعاره از قطرات آب است» (ناصر خسرو، ۱۳۷۸: ۲۳۱). اما با اندکی تأمل، مشخص می‌شود که «سواران»، استعاره از ابر و «دُر» استعاره از قطرات آب است. در بعضی موارد هم، شارحان در گزارش نکات دستوری موجود در متن اشتباه می‌کنند؛ مثلاً شارح شرح منطق‌الطیر عطار، در توضیح بیت:

من چو استحقاق آن دارم عظیم می‌پرستیدم، نه از امید و بیم

نوشته است: «می‌پرستیدم: مرا می‌پرستید» (عطار، ۱۳۷۵: ۵۲۱). او بدون توجه به ویژگی سبکی موجود در متن، که موجب جانشینی «می» به جای «ب» تأکید (به معنی مرا بپرستید) شده است، فعل را به شکل ماضی معنی کرده است (فرضی، ۱۳۸۶: ۸۲).

۱-۴: پیچیده کردن مفاهیم ساده در بیان مطلب

در بعضی موارد، شارح تلاش دارد مفاهیم بعید و دور از ذهنی را بر متن تحمیل کند؛ در حالی که گاه در حالت عادی و با خوانش منطقی، متن معنای صریح و مشخصی دارد. نویسنده نامه باستان، ذیل بیت دوم شاهنامه:

خداوند نام و خداوند جای خداوند روزی ده رهنمای

در قسمتی از توضیحات مفصل خود می‌نویسد: «استاد از «جای» گیتی را خواسته است و «نام» را در معنی مینو به کار برده است، جهانی که گوهر و گونه آن اندیشه است، جهانِ جان، جهانی پیراسته و فروری که در تنگنای دریافت‌های حسّی نمی‌گنجد و...» (کزازی، ۱۳۸۵: ۱۷۰). شارح حدود یک صفحه را به این بحث اختصاص داده و با استفاده از بیانی پیچیده، تلاش دارد این نکته را به اثبات برساند که «نام و جای» به ترتیب، در معنای عالم معنا و عالم ماده هستند. اما این توضیحات را به گونه‌ای در لفافه عبارات و جمله‌بندی‌های خاص خود مطرح کرده، که فهم این معنی ساده، تنها با تأمل بسیار در الفاظ و عبارات او، قابل دریافت است.

۵-۱: زیاده روی در توضیحات و پرداختن به مسائل ساده

گاه شارح، آنقدر به مسائل حاشیه‌ای و توضیحات غیرضروری می‌پردازد که باعث ملال خاطر خواننده می‌شود و به علاوه، به طور کاذب، بر حجم اثر می‌افزاید. برخی شارحان، در شرح آثار ادبی، به‌ویژه در توضیح واژگان و اصطلاحات، هر آنچه می‌دانند و به ذهنشان می‌رسد، مطرح می‌کنند؛ در صورتی که اشاره‌ای کوتاه به معنی اصلی واژه، طرح معنی و مفهوم آن در بافت اثر و پرداختن به نکات ابهام‌آفرین متن، شیوه‌ای منطقی در شرح آثار است. محمد خزائلی در شرح *گلستان و بوستان سعدی*، در بسیاری موارد، این‌گونه عمل کرده است. برای نمونه می‌توان به شرح مفصل او ذیل تعبیر «سجل نوشتن» و توضیحاتش درباره‌ی واژه «بلورین» اشاره کرد (ر.ک. سعدی، ۱۳۵۶: ۷۹ و ۸۷).

۶-۱: اشکالات نسخه‌ای که باعث اخلال در شرح می‌شوند

نخستین و مهم‌ترین پایه‌ی شرح صحیح، وجود نسخه‌ی مناسب و متن منقح است. متن مغشوش و نامعتبر، موجب خوانش اشتباه و انحراف شرح از مسیر منطقی و صحیح می‌شود. تکیه بر نسخه‌ی نامناسب، گاه موجب می‌شود که شارح، به هر وسیله در صدد توجیه متن برآید و به تکلف، معانی‌ای را به متن تحمیل کند. حسینعلی هروی در مقاله‌ای با عنوان «نقدی بر حافظ مسعود فرزاد»، ذیل بیت:

خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم کز نسیمش بوی جوی مولیان آید همی
ضمن اشاره به ضبط نسخه فرزاد، به شکل: *کز لبانش بوی خون مولیان آید همی*، نشان داده است که چگونه تکیه بر یک ضبط نامعتبر، شارح را به توجیهات غیرمنطقی و داستان‌پردازی‌های غریب می‌کشاند و خواننده را گمراه می‌کند (هروی، ۲۵۳۵: ۲۸).

۲- اتخاذ رویکرد نامناسب در شرح

روش کار شارح در شرح، نحوه مواجهه او با متن و رویکردش را در شرح نشان می‌دهد. از نکات قابل تأمل در بررسی شیوه کار شارحان در شرح، تناسب روش کار (روش شرح) با اثر مورد بررسی، موضوع و نوع آن است؛ مثلاً در بسیاری موارد نمی‌توان یک متن را با استفاده از تمام رویکردهای موجود، شرح کرد؛ از جمله در مورد متون عرفانی، که اغلب دارای بافت چندلایه هستند و گاه صراحت بیان کمتری در آنها وجود دارد، شرح لغوی به‌تنهایی کارگشا نیست، چون عامل مشکل‌آفرین در این متون، در بسیاری موارد، ابهام واژگانی نیست، بلکه طرز بیان و شیوه طرح مطالب، باعث رمزآمیز شدن متن می‌گردد. *کشف‌المحجوب* از جمله مشهورترین متون عرفانی است و یکی از جدیدترین پژوهش‌ها درباره این اثر، تصحیح و شرح متن *کشف‌المحجوب* است که انتشارات سروش آن را منتشر کرده است. تأکید شارح در این اثر، بیشتر بر شرح واژگان و لغات مبهم است و کمتر به شرح معنی عبارات و جملات، توجه نشان داده است. این رویکرد هرچند در بسیاری قسمت‌ها برای این متن مناسب است، ولی به دلیل ویژگی‌های سبکی خاص در نثر *کشف‌المحجوب*، از جمله بیان سرشار از تناقض و بازی با کلمات و عبارات، توضیحات لغوی شارح، در همه جا، مشکل‌گشا نیست. در بسیاری موارد، تناقض‌گویی‌های عمدی هجویی، چنان در متن خودنمایی می‌کند که خواننده متحیر می‌شود. به عنوان نمونه در صفحه ۳۹۹ این اثر در باب *کشف‌الحجاب الاول فی معرفه الله* آمده است: «و اگر دلیل علت معرفت بودی، بایستی هر که مستدل بودی عارف بودی. و این مکابره عیان باشد، پس خداوند تعالی یکی را برگزیند و وی را راهبر خود گرداند تا به سبب او بدو رسند و او را بدانند. پس دلیل وی را سبب آمدن نه علت و سببی از سببی اولی‌تر نباشد اندر حق»

مسبب مر سبب را» (هجویری، ۱۳۸۶: ۳۹۹). غیر از نقص در استفاده از علائم نگارشی که ممکن است موجب اشتباه در قرائت متن شود، در شرح مذکور، هیچ توضیحی در مورد این عبارات نیامده است، در حالی که «دلیل» اول در اینجا به معنی استدلال و «دلیل» دوم، راهنما (رسول) است. علاوه بر آن، حلّ تعقیدی که در جملات پایانی وجود دارد نیز، نیازمند توضیح آن به نثر روان است.

مسئله قابل توجه دیگر در این حوزه، تناسب روش شرح با هدف شارح است. هدف شارح در تهیه و تدوین شرح، ارتباط مستقیمی با سطح خوانندگان آن دارد؛ مثلاً اگر شارح قصد تدوین شرح آموزشی دارد، لازم است رویکرد خود در شرح را متناسب با این هدف تنظیم کند. شاید از جهتی شرح لغوی مناسب‌ترین رویکرد در شروح آموزشی باشد. شرح لغوی با روشن کردن گره‌های واژگانی، خواننده دانشجو را وادار می‌کند که با استفاده از ذهنیت خود و راهنمایی استاد، با کنار هم قرار دادن واژگان، معنی مناسب متن را دریابد، این امر به پرورش خلاقیت ذهنی دانشجو کمک می‌کند و او را از عادت به پخته‌خواری و تکیه بر شروحي که به صراحت، تمام متن را معنی کرده‌اند، دور می‌دارد. در عین حال، سایر انواع شروح، چون شرح‌های تأویلی، بینامتنی و... از آنجا که در پی گره‌گشایی از مشکلات ظاهری متن نیستند، چندان مناسبی با اهداف آموزشی ندارند، هرچند، گاه به تناسب نوع متن، برخی انواع دیگر شرح نیز در کنار شرح لغوی می‌تواند یاری‌گر خواننده باشد.

۳- ناهماهنگی ساختار ظاهری شرح با نوع اثر و اهداف شارح

منظور از ساختار در اینجا ترتیب قرار گرفتن شرح و توضیحات در یک اثر و چگونگی قالب بندی و تدوین آن است. ساختار شرح، در این معنی، تحت تأثیر عوامل گوناگون از جمله ذوق و سلیقه شارح، هدف شارح، مقتضیات متن و... شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرد. مهم‌ترین ساختارهایی که معمولاً توسط شارحان به کار گرفته می‌شود عبارت‌اند از: ۱- آوردن شرح به صورت زیرنویس، در ذیل متن؛ ۲- بخش‌بندی اثر و ذکر شرح در پایان هر فصل یا بخش؛ ۳- آوردن شرح و توضیحات در پایان متن. بدیهی است، کاربرد هر یک از این شیوه‌ها

باید با نوع متن مورد بررسی، همین‌طور با هدف شارح و شیوه کار او تناسب داشته باشد؛ مثلاً در صورتی که رویکرد شارح بر نگارش شرح مفصل و توضیح گسترده قسمت‌های مبهم متن باشد، قرار دادن توضیحات در زیرنویس، کار درستی نیست. شرح زیرنویسی (تعلیقه) آن‌گاه مفید و منطقی است که: اولاً متن مورد بررسی به گونه‌ای باشد که مشکلات آن در حد واژگان باشد و با رفع ابهام از واژگان غریب متن، درصد بالایی از گره‌های آن، به راحتی گشوده شود؛ ثانیاً هدف شارح، بر تفصیل مطالب نباشد، چون در غیر این صورت، متن کتاب به واسطه حجم زیاد تعلیقات در آن، زیبایی خود را از دست می‌دهد و ممکن است خواننده برای یافتن معنی یک واژه، گاه ناگزیر شود به چند صفحه جلوتر برود تا معنی آن را ببیند. به عنوان نمونه، این مشکل در شرح جلال‌الدین همایی بر *مصباح‌الهدایه* کاشانی، فراوان به چشم می‌خورد (ر.ک. کاشانی، ۱۳۸۶: ۳۰-۳۴). همچنین نمونه‌هایی از آن را می‌توان در تعلیقات محمد معین بر *چهارمقاله* دید (ر.ک. نظامی عروضی، ۱۳۸۲: ۷۰ و ۷۱ ذیل برات، ۷۲ و ۷۳ ذیل نرد ده هزاری، ۷۹ و ۸۰ ذیل وُشکرده). فارغ از اینکه چنین توضیحاتی، واقعاً چقدر مورد نیاز این متن بوده است، توجه به این نکته ضروری است که به‌واقع، جای چنین توضیحات گسترده‌ای نه در متن کتاب، که در تعلیقات انتهایی است.

۴- بی‌توجهی به مخاطبان

امروزه با گسترش مباحث روش تحقیق، کمتر کسی است که از لزوم توجه به مخاطب در تهیه و تدوین اثر، آگاهی نداشته باشد. در نظر نگرفتن نیاز مخاطب، موجب می‌شود اثر، خوانندگان خود را از دست بدهد و ارزش‌های محتوایی آن نیز، آن‌گونه که شایسته است مورد توجه قرار نگیرد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین مباحث در آسیب‌شناسی شروح، بررسی میزان خواننده‌مداری شارح، و توجه به نیازهای اطلاعاتی مخاطب است. به تعبیر مرحوم شهیدی: «هر شرح جایی دارد و گروهی را فایده رساند» (زمانی، ۱۳۸۴: ۱۸). با همه این احوال، به نظر می‌رسد بسیاری از شارحان، به ویژگی‌ها و مقتضیات کار برای گروه ویژه مخاطبان خود، کم‌توجهی می‌کنند. اگر شارح برای استفاده خوانندگان مبتدی و عموم افراد جامعه می‌نویسد،

باید توجه داشته باشد که، خواننده غیرحرفه‌ای به اثری نیاز دارد که در مختصرترین شکل و به روشنی، از مشکلات متن گره‌گشایی کند و اثر را برای او قابل فهم کند. بنابراین، تفسیرها و تأویل‌های دور از ذهن، تحلیل‌های پیچیده محتوایی، طرح اختلاف نسخه‌ها و ذکر نسخه‌بدل‌ها، نه تنها کمکی به خواننده معمولی نمی‌کند، بلکه موجب ملال خاطر و دلزدگی او از مطالعه اثر می‌شود. فروزانفر، در گزیده‌ای از مثنوی که در سال ۱۳۲۷ برای آشنایی دانش‌آموزان و دانشجویان با این کتاب تهیه کرده است (فروزانفر، ۱۳۷۳: هفت)، در شرح بیت:

باده در جوشش گدای جوش ماست چرخ در گردش گدای هوش ماست

حدود شش صفحه را به توضیحاتی مشتمل بر نظر بزرگان عالم فلسفه و منطق اختصاص داده است (ر.ک. همان: ۱۲۲-۱۲۷)، درحالی که چند سال بعد، در شرح مثنوی شریف، پس از شرح مختصر ابیات، خواننده علاقه‌مند را به نظر ملأهادی سبزواری و... ارجاع داده است (فروزانفر، ۱۳۷۱: ۷۱۸).

در مقابل، گاه شارح اعلام می‌کند که برای استفاده دانشجویان اقدام به تدوین شرح کرده است، اما ساده‌ترین و پیش پا افتاده‌ترین مطالب را مورد بررسی و شرح قرار می‌دهد. نقص عمده‌ای که در بسیاری از شروح دیده می‌شود و در شرح‌های دانشگاهی از اهمیت بیشتری برخوردار است و بیشتر خود نمایی می‌کند، کم‌توجهی شارح به مطالعات قبلی خواننده (دانشجویان)، حتی آموخته‌های دوران مدرسه اوست. نویسنده کتاب *تازیان‌های سلوک*، کلماتی مانند برنا، انار، عنب، دد و... را توضیح داده است (ر.ک. شفیع کدکنی، ۱۳۸۶: ۲۸۵، ۳۶۵، ۴۴۱، ۴۷۴). در صورتی که برخی از این کلمات، در دوره ابتدایی به دانش‌آموزان معرفی شده‌اند، مانند واژه «برنا» در: توانا بود هر که دانا بود / ز دانش دل پیر برنا بود (سنگری، ۱۳۸۵: ۵۵).

۵- دقیق نبودن یا نادرستی توضیحات

از علل مهمی که موجب بروز آسیب و نقص در شرح می‌شود، کم‌دقتی و یا بی‌دقتی شارح است که گاه با ناتوانی علمی او همراه است. شارح توانمند و آگاه، در کنار وجود متن منتقح و نسخه صحیح، از ارکان اساسی شرح مطلوب، محسوب می‌شود. به عبارتی، دانش و تسلط

شارح، ضامن تولید شرح موفق و علمی است. اما توان علمی شارح، از جنبه‌های گوناگون، قابل بررسی و ارزیابی است:

۱-۵: از شایع‌ترین مشکلات شارحان، ناآشنایی یا آشنایی محدود آنها با دانش‌های پایه‌ای مرتبط با ادبیات چون زبان‌شناسی، علوم بلاغی، تاریخ، زبان عربی و... است. با وجود این معضل، توصیفات عجیب و بی‌ارتباط به متن، امری طبیعی است. در گزیده‌ای که از شاهنامه فردوسی منتشر شده است، در شرح بیت:

کجا کز جهان کوس خوانی همی جز این نامی ندانی همی

آمده است: ضبط درست این بیت نه تنها از نسخه‌ها مشخص نمی‌شود، بلکه باید با یاری از متن‌های دیگر آن را شناخت. یگانه جایی که ضبط درستی برای نام دیگر طبرستان وجود دارد «بندھشن» است که در آنجا «ور چهارگوش» را نام دیگر «دنباوند» (دماوند)، آورده است. سپس تأکید می‌شود که ضبط صحیح مصراع اول در واقع به این شکل است: کجا ور چهارگوش خوانی همی (ر.ک. جیحونی، ۱۳۸۰: ۴۷). این در حالی است که هرگز جایی دیده نشده که دماوند یا دنباوند را پایتخت فریدون گرفته باشند. اما با مراجعه به تعلیقات پورداوود بر یشت‌ها (ر.ک. پورداوود، ۱۳۴۷: ۱۹۲)، مشخص می‌شود که اشتباه تایپی کوچکی در تعلیقات مهرداد بهار، باعث شده تا عبارت «ورنه چهارگوشه می‌باشد» به «ور چهارگوش می‌باشد» تغییر یابد (جوینی، ۱۳۸۵: ۱۱۹). شارح نیز به دلیل کم‌اطلاعی از دانش زبان‌شناسی و ناآشنایی با متون باستانی تاریخ زبان فارسی، با استناد به قسمت مغلوپ از یک متن، ضبط بی‌تی را تغییر داده و برداشت نادرستی در تفسیر آن ارائه دهد.

محمد فرزانه نیز، طی سلسله مقالاتی در مجله یادگار، در سال‌های ۱۳۱۶-۱۳۱۸ مواردی از لغزش و بی‌دقتی عبدالعظیم قریب، به‌ویژه در ترجمه اشعار عربی را که گاه موجب اخلال در شرح شده است، یادآوری کرده است. هرچند خود اذعان می‌کند که تمام این موارد، چیزی از فضایل و دانش قریب، کم نمی‌کند (ر.ک. فرزانه، ۱۳۱۸: ۳۸).

۲-۵: بی‌توجهی به جهان فکری و عقیدتی صاحب اثر و عدم استفاده از سایر آثار شاعر یا نویسندگان در شرح، برای رفع مشکلات متنی، از مشکلاتی است که شارح و شرح‌را از مسیر

منطقی منحرف می‌کند. در تعلیقات دیوان ناصر خسرو، چاپ تقی‌زاده و دیگران، در شرح این بیت:

از بهر پیمبر که بدین صنع، ورا گفت
تأویل به دانا ده و تنزیل به نادان
(ناصر خسرو، ۱۳۰۵: ۴)

هیچ توضیحی درباره تأویل و تنزیل و چگونگی ارتباط آن با دانا و عامی، در جهان فکری ناصر خسرو وجود ندارد، در صورتی که ناصر خسرو، در ابیات فراوانی از دیوان، و بخش‌های زیادی از سایر آثارش، به‌ویژه در وجه دین، عقاید خود را در این زمینه، به‌روشنی اظهار کرده است.

۳-۵: نادیده گرفتن پژوهش‌های انجام شده در راستای حل مشکلات متنی و صدور حکم قطعی بدون پژوهش و اطلاع کافی، از آسیب‌هایی است که در بعضی موارد، شارحان گرفتار آن می‌شوند. این مسئله، باعث دوباره‌کاری و طرح مجدد مشکلات حل شده می‌گردد، به‌علاوه از ارزش و اهمیت کار شارح می‌کاهد. نویسنده کتاب *نامه باستان* در شرح بیت:

یکی دخمه کردش ز سم ستور جهانی، به زاری همی گشت کور

نوشته است: نکته‌ای شگفت که راز آن هنوز گشاده نیامده است، دخمه‌ای است که رستم از سم ستور برای سهراب می‌سازد... اما آنچه در این میان روشن نیست، «سم ستور» است و پیوند آن با دخمه‌ای ساده و بی‌پیرایه که رستم برای سهراب می‌سازد. سپس می‌افزاید که این دخمه، دخمه‌ای چنبرینه و گرد بوده است و از این روی، به سم ستور می‌مانده است، و می‌نویسد که بدین‌سان «از» را می‌باید به «از گونه» گزارد و نشانه همانندی دانست... (ر.ک: کزازی، ۱۳۸۵: ۶۷۰). این در حالی است که پیش از این، جلال خالقی مطلق، و پس از وی، محمدرضا شفیعی کدکنی، طی مقالاتی، در راستای گره‌گشایی از این تعبیر، تلاش‌هایی انجام داده‌اند (ر.ک. خالقی مطلق، ۱۳۵۶: ۶۶۲-۶۷۰ و شفیعی کدکنی، ۱۳۷۴: ۱۷-۳۱). اگر شارح از چنین پیشینه پژوهشی‌ای آگاهی داشت، با توجه به اینکه پژوهش‌های مذکور از قوت علمی خوبی برخوردارند و بر پایه استدلال‌های منطقی تدوین شده‌اند، یا چنین معنای بعیدی را،

بی‌قرینه، آن هم از روی احتمال و تردید ذکر نمی‌کرد، یا حداقل اشاره‌ای به نتیجه این پژوهش‌ها می‌کرد تا خواننده، خود در مورد معنی نهایی قضاوت کند (آیدنلو، ۱۳۸۲: ۱۱۲).
گاه شارح با تکیه بر محفوظات ذهنی و آنچه به خاطر دارد، به طور قطعی در مورد یک مسئله قضاوت می‌کند. نویسنده *تازیان‌های سلوک*، در شرح بیت:

اجرام چرخ چنبری، چون لعبتان بربری پیدا سهیل و مشتری، خورشید روشن محتجب نوشته است: «تعبیر لعبتان بربری سابقه‌ای در ادبیات فارسی، گویا، ندارد و جز در این بیت، شاهد دیگری برای آن به یاد ندارم، شاید صورت درست آن لعبتان آزی است، یعنی بت‌هایی که آزر (پدر یا عموی ابراهیم) می‌ساخت (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۲۷۳). اما بنا به پژوهش سید مهدی طباطبایی، استفاده از این تعبیر نه تنها مسبوق به سابقه است، بلکه کاربرد آن را می‌توان در دیوان شاعران مختلف دید (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۹).

۴-۵: از موارد دیگری که موجب نقص کار شارح می‌شود، کم‌دقتی اوست که به برداشت نادرست منجر می‌شود. کم‌دقتی شارح در نحوه خوانش متن، تشخیص شواهد مثال، نقل قول‌ها و فهم صحیح معنی تعابیر و اصطلاحات متن و... بروز می‌کند. برای نمونه می‌توان به یک مورد از بی‌دقتی خطیب‌رهبر، در نقل حواشی فیاض، به شرح تاریخ بیهقی خود، که منجر به دگرگونی معنا شده است، اشاره کرد (ر.ک. راموز، ۱۳۸۷: ۵۴).

۵-۵: از دیگر مشکلات اساسی که برخی شارحان با آن درگیرند، کم‌توجهی به سبک و ساختار اثر و ویژگی‌های ادبی و بیانی آن است که گاه باعث برداشت‌های نادرست و در نتیجه، ایجاد اخلال در فهم متن می‌شود. شارح شاهنامه در معنی واژه «بارکش» در بیت زیر:

سپهدار سهراب نیزه به دست یکی بارکش باره‌ای برنشست

می‌نویسد: «بارکش، وارونه "برنشست"، ستوری است که برای تاختن و جنگیدن از آن بهره نمی‌برند. "برنشستن سهراب بر بارکش باره" کنایه ایما تواند بود از اینکه سهراب، دژداران ایرانی را به هیچ می‌گیرد و از این روی، بر باره‌ای تیزتاز و جنگی بر می‌نشیند» (کزآزی، ۱۳۸۵: ۵۹۳). اما واژه «بارکش» در این بیت و ابیات فراوان دیگری از شاهنامه، وقتی درباره اسب به

کار می‌رود، به معنی «نیرومند و حمول» است. در ابیات دیگری از شاهنامه نیز پهلوانان به هنگام نبرد با دشمنان و هماوردان، بر «بارۀ بارکش» می‌نشینند:

به اسب عقاب اندر آورد پای برانگیخت آن بارکش را ز جای

(فردوسی، ۱۳۶۸: ۱۱۷/۳)

۵-۶: ناتوانی شارح در شرح، بُعد دیگری هم دارد که منجر به بروز یکسونگری می‌شود. یکسونگری در شرح، یعنی اینکه شارح بدون در نظر گرفتن شیوه‌های علمی پژوهش، با برجسته کردن یک حوزه در بررسی متن، ترتیب غیرمنطقی‌ای را در پیش گیرد. به عبارت دیگر، هنگامی که شارح نتواند به طور متعادل و منطقی شرح را دنبال کند، به یکسونگری می‌رسد. از نمادهای یکسونگری در شرح، این است که گاه شارح بر اساس انگیزه و علاقه شخصی و استدلال‌های ذهنی خاص خود، رویکردی غیرمنطقی در پیش می‌گیرد، یا تقسیم‌بندی‌های سلیقه‌ای خاصی را به متن، تحمیل می‌کند؛ مثل تقسیم‌بندی غزل‌های حافظ به عاشقانه و عارفانه، در بعضی شرح‌ها.

۶- بیان پیچیده و زبان نارسا

علت مهم دیگری که باعث وجود ضعف در شرح می‌شود، زبان و نحوه بیان شارح است. از مهم‌ترین و اساسی‌ترین، ویژگی‌های شرح، داشتن زبان ساده، روان و خالی از عبارت‌پردازی متکلفانه است. توجه به این نکته ضروری است که هدف از نگارش شرح، آسان‌سازی فهم مطالب برای خواننده است، بنابراین زبان آن نباید به گونه‌ای باشد که خواننده مجبور باشد برای فهم منظور شارح، وقت زیادی صرف کند؛ بلکه باید در نگاه اول و با خوانش نخست، منظور شارح، به روشنی قابل دریافت باشد. شارح در عین اینکه از زبان سخیف و عامیانه (حتی در شرحی که برای عموم خوانندگان می‌نویسد) دوری می‌کند، لازم است قوانین زبان علمی را در نگارش شرح، مد نظر داشته باشد.

۷- نارسایی مقدمه‌ها

مقدمه از مهم‌ترین بخش‌های یک اثر و دروازه ورود به آن است. بخشی از اهداف شرح‌نویسی نیز به واسطه مقدمه‌ها تأمین می‌شود، و به همین دلیل، کاستی و نقص در مقدمه‌ها، گاه موجب اختلال در اهداف شرح‌نویسی می‌گردد. با وجود اهمیت مقدمه‌ها و نقش آنها در رسیدن به اهداف شرح‌نویسی، نگاهی به شروح نوشته شده از گذشته تا امروز نشان می‌دهد که اکثر آثار، فاقد مقدمه‌های جامع، کارگشا و علمی هستند. معرفی اثر ادبی و خالق آن، اشاره به ویژگی‌های خاص سبکی و بیانی مؤلف، ارائه توضیحاتی در خصوص شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر زمان شاعر یا نویسنده و تحلیل دنیای فکری صاحب اثر، بحث درباره اصطلاحات کلیدی متن، بیان جایگاه اثر در مجموعه آثار ادبی و... می‌تواند از مهم‌ترین مباحث مقدمه‌ها باشد. خواننده با دانستن این نکات، درک بهتری از کلیت اثر ادبی و ویژگی‌های آن خواهد داشت و با دید بازتری به مطالعه اثر ادبی می‌پردازد، در نتیجه، شارح در بخش شرح و تعلیقات، مجبور نخواهد بود به جای پرداختن به نکات تحلیلی مفید، به طور مفصل، درگیر مباحث سبک‌شناختی و معرفی ویژگی‌های صرفی و نحوی در دوره مورد نظر و مسائلی از این دست شود.

اما در گذشته، مباحث مقدمه‌ها اغلب به ارائه اطلاعات زندگی‌نامه‌ای از صاحب اثر، معرفی ویژگی‌های سبکی و زبانی اثر و مسائلی از این دست، منحصر می‌شد. در صورتی که این مطالب هرچند دقیق و مستند باشند، تنها بخشی از نیاز خواننده را بر طرف می‌کنند و با توجه به کثرت و تنوع شرح‌ها در سال‌های اخیر از یک‌سو و با متنوع شدن سطح علمی و رده سنی خوانندگان از دانشگاهیان و اقشار فرهیخته تا کودکان و عموم افراد جامعه، لازم است شارح در مقدمه به مسائل مهم و کاربردی‌ای چون بیان شیوه شرح متن، هدف از تدوین شرح، تعیین گروه خوانندگان و روش‌گزینش از متن در شرح‌گزیده‌ها بپردازد. در غیر این صورت، خواننده نمی‌تواند به راحتی با اثر ارتباط برقرار کند و از میان آثار متنوع، آنچه را متناسب با نیاز و علاقه‌اش است، برگزیند.

مهم‌ترین ویژگی‌های شرح مطلوب و شارح خوب

با توجه به مباحث مذکور، می‌توان موارد زیر را از جمله خصوصیات یک شرح مطلوب

دانست:

- ۱- تکیه بر نسخه صحیح و مورد اعتماد؛
 - ۲- داشتن شارح مسلط و دانشمند؛
 - ۳- رفع ابهام از واژگان و اصطلاحات دشوار متن و توضیح کافی درباره آنها؛
 - ۴- شرح مفاهیم پیچیده و تصاویر دیرباب؛
 - ۵- رمزگشایی از تلمیحات و شرح اشارات قرآنی؛
 - ۶- اشاره به مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی، زبانی و ادبی اثر؛
 - ۷- استفاده به‌جا و مستند از شروح گذشته و آثار تحلیلی - تفسیری مربوط به شاعر یا نویسنده و دوره زندگی او؛
 - ۸- طرح نکردن دوباره نظرهایی که مردود شده‌اند؛
 - ۹- معرفی منابع تکمیلی برای توضیحات بیشتر؛
 - ۱۰- رعایت حال مخاطب در شرح‌نویسی؛
 - ۱۱- پرهیز از تکرار مطالب در قسمت‌های مختلف و در عوض، ارجاع به قسمت‌های پیشین؛
 - ۱۲- استفاده از زبان روان و دقیق علمی؛
 - ۱۳- کل‌نگری و توجه به ارتباط بین بخش‌های اثر.
- شارح موفق نیز فردی است که دارای ویژگی‌های زیر باشد:
- ۱- امانتداری؛
 - ۲- رعایت انصاف و بی‌طرفی؛
 - ۳- پذیرش نظر درست دیگران و رد عادلانه دیدگاه‌های نادرست؛
 - ۴- داشتن دانش و توان علمی کافی؛
 - ۵- آشنایی با دانش‌های پایه‌ای مرتبط با ادبیات؛

- ۶- پرهیز از مطلق‌گرایی و یکسونگری؛
- ۷- بسنده نکردن به توضیح موارد ساده و پرداختن به مشکلات واقعی متن؛
- ۸- مواجهه روشمند با شرح‌نویسی؛
- ۹- اتخاذ شیوه‌ای درست و متناسب با متن مورد بررسی، خوانندگان و اهداف شارح؛
- ۱۰- برخورد انتقادی با متن.

نتیجه‌گیری

آسیب‌شناسی رویکردی است که در آن، با نگاه نقادانه به مشکلات و نارسایی‌های اثر پرداخته می‌شود. در این رویکرد که شباهت زیادی به نقد ادبی دارد، پژوهشگر، همچون منتقدی تیزبین به دنبال یافتن آسیب‌ها و مشکلات موجود در متن، دسته‌بندی، ریشه‌یابی و تحلیل آنهاست، تا به اصلاح آنها و پیشگیری از وقوع موارد مشابه، کمک کند. شرح‌نویسی نیز از پژوهش‌هایی است که محققان در طول سال‌های گذشته عنایت ویژه‌ای به آن داشتند و مخصوصاً در سال‌های اخیر، بسیار مورد توجه قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که اکنون در بازار شروح، از شرح‌های بی‌ارزش و سخیف، تا آثار پرمایه و نفیس دیده می‌شوند. بنابراین ضرورت نگاه نقادانه و آسیب‌شناسانه به شروح معاصر اهمیت زیادی دارد. بر این اساس، در این نوشتار، شروح متون ادبی از جهات مختلف مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفتند و نتایج به دست آمده در چند محور ارائه شده است:

- ۱- کاستی‌های محتوایی و شرح ناکافی: مهم‌ترین کاستی‌های محتوایی شروح از این قراراند: غفلت از شرح مشکلات واقعی، برداشت نادرست از متن، تحلیل‌های پیچیده و گمراه‌کننده، زیاده‌روی در توضیحات، و نارسایی نسخه‌ای، که باعث اخلال در شرح می‌شود.
- ۲- استفاده از رویکردی که با اثر مورد بررسی، محتوا و سبک آن ناسازگار است: عدم هماهنگی رویکرد منتخب شارح با مقتضیات متن و گروه خوانندگان، از صحت و کارآمدی شرح می‌کاهد و ارزش و اهمیت آن را زیر سؤال می‌برد.

۳- بی‌دقتی شارح و ارائه توضیحات نادرست: علل و عوامل نقص در توضیحات شارح ذیل شش محور کلی قرار می‌گیرد: آشنایی محدود او با دانش‌های پایه‌ای مورد نیاز، بی‌توجهی به منظومه فکری صاحب اثر در حین شرح، در نظر نگرفتن سایر پژوهش‌های انجام شده در راستای حل مشکلات متن، کم‌دقتی و بی‌توجهی شارح و یکسونگری در شرح. سایر کاستی‌ها و نقائص نیز از این قرارند: ناهماهنگی چارچوب و ساختار شرح با نوع اثر و اهداف شارح، در نظر نگرفتن رده سنی، علمی و نیازهای خوانندگان، به‌کارگیری زبان پیچیده و تعابیر چندلایه که روند فهم متن را دچار انحراف می‌کند، نارسایی بخش مقدمه که باعث اخلال در رسیدن به اهداف شرح نویسی است.

کتابنامه

- آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۸۳). *گزیده مخزن‌الاسرار*، تهران: علمی فرهنگی.
- آیدنلو، سجاد. (۱۳۸۲). «*گزارنده نامه باستان*»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه. ش ۱۱. صص ۱۰۶-۱۱۳.
- امامی، نصرالله. (۱۳۷۱). «*گزیده‌پردازی*». *نشر دانش*. ش ۵. صص ۱۰-۱۴.
- باقری، بهادر. (۱۳۸۶). *فرهنگ شرح‌های حافظ*. تهران: امیرکبیر.
- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۴۷). *یشت‌ها*، تهران: دانشگاه تهران.
- جوینی، عزیزالله. (۱۳۸۵). «*نگاهی به گزیده شاهنامه*». کتاب ماه ادبیات و فلسفه. ش ۴-۶. صص ۱۱۷-۱۲۲.
- جوینی، عظاملک. (۱۳۷۸). *تاریخ جهانگشا*. تصحیح محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب.
- جیحونی، فریدون. (۱۳۸۰). *گزیده شاهنامه فردوسی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد. (۱۳۶۲). *دیوان اشعار*. تصحیح پرویز ناتل خانلری. تهران: خوارزمی.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۵۶). «*یکی دخمه کردش ز سم ستور*». نشریه دانشکده ادبیات تبریز، ش ۱۲۴. صص ۴۶۲-۴۷۰.
- خرم‌شاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۸۷). *حافظ‌نامه*. تهران: علمی فرهنگی.

راموز، کمال. (۱۳۸۷). «تقدی بر تاریخ بیتهقی شرح خطیب رهبر». کتاب ماه ادبیات. ش ۱۵. صص ۵۲-۶۲.

رضی، احمد. (۱۳۸۵). «صدای سخن عشق». نامه علوم انسانی. ش ۱۴. صص ۱۲۷-۱۳۲.
رفاهی‌بخش، زینب. (۱۳۸۹). سیر تحول شرح‌نویسی بر متون ادب فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه گیلان.

رفاهی‌بخش، زینب و احمد رضی. (۱۳۸۹). «بررسی و تحلیل مقالمه‌ها در شرح‌نویسی بر متون ادبی». ادب پژوهی. ش ۱۱. صص ۸۷-۱۱۹.

زمانی، کریم. (۱۳۸۴). شرح جامع مثنوی. ج ۱. تهران: اطلاعات.
ستاری، جلال. (۱۳۸۲). «حافظ و بعضی نکته‌های ناگفته». کتاب ماه ادبیات و فلسفه. ش ۷۱. صص ۸۲-۸۷.

سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۵۶). بوستان. به کوشش محمد خزائلی. تهران: بدرقه جاویدان.
سنگری، محمد رضا. (۱۳۸۵). «گزیده نویسی، کاستی‌ها، بایسته‌ها». نامه علوم انسانی. ش ۱۴. صص ۴۵-۵۶.

شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۸۶). تازیانه‌های سلوک. تهران: آگه.
_____ . (۱۳۷۴). «یکی دخمه کردش ز سم ستور». کلک. ش ۶۸-۷۰. صص ۱۷-۳۱.

طباطبایی، مهدی. (۱۳۸۷). «با تازیانه‌های سلوک». کتاب ماه ادبیات. ش ۱۵. صص ۲۸-۳۸.
عطار، فریدالدین. (۱۳۷۵). منطق‌الطیر. به کوشش احمد خاتمی. تهران: سروش.
فرزان، محمد. (۱۳۱۸). «کلیله و دمنه بهرامشاهی». نگین. س ۲۰. ش ۱. صص ۲۵-۳۸.
فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۸). شاهنامه. به کوشش جلال خالقی مطلق. تهران: روزبهان.
فرضی، حمیدرضا. (۱۳۸۶). «نگاهی به تصحیح منطق‌الطیر». کتاب ماه ادبیات. ش ۴. صص ۷۴-۸۵.
فروزانفر، بدیع‌الزمان. (۱۳۷۱). شرح مثنوی شریف. تهران: زوار.
_____ . (۱۳۷۳). گزیده و خلاصه مثنوی. تهران: اساطیر.

کاشانی، محمود. (۱۳۸۶). مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه، به کوشش جلال‌الدین همایی، تهران: هما.
کزازی، جلال‌الدین. (۱۳۸۵). نامه باستان. ج ۱. تهران: سمت.
مسرور، حسین. (۱۳۱۰). «نقد نو بر حواشی ناصرخسرو». ارمغان. ش ۵. صص ۳۴۵-۳۵۳.

- ناصرخسرو. (۱۳۰۵). *دیوان اشعار*، به کوشش تقی‌زاده و دیگران. تهران: دنیای کتاب.
- _____ . (۱۳۷۸). *دیوان ناصرخسرو*. شرح از جعفر شعار و کامل احمدنژاد. تهران: پیام امروز.
- نجم رازی، (۱۳۸۴). *مرصادالعباد*، تصحیح و تعلیقات از محمدامین ریاحی. تهران: علمی فرهنگی.
- نظامی عروضی. (۱۳۸۲). *چهارمقاله*. تصحیح محمد قزوینی به اهتمام محمد معین. تهران: صدای معاصر.
- وامقی، ایرج. (۱۳۸۰). «*واژه دستکش در شعر حافظ و شاهنامه*». *بیژن‌نامه*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ اسلامی. صص ۱۹۵-۲۰۵.
- هجویری، محمود. (۱۳۸۶). *کشف‌المحجوب*. به اهتمام محمود عابدی. تهران: سروش.
- هروی، حسین. (۲۵۳۵). «*نقدی بر حافظ مسعود فرزاد*». نگین. ش ۱۳۶. صص ۲۴-۳۱.